

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش ناتمامی کشورستان

بهیج حزب -
دسته یا جمعیتی
ستگی ندارد

سال اول - شماره ۳۳

شنبه ۱۳ آبان ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

کابینه جدید و کشاورزی

پس از ده روز مطالعه روز شنبه آقای حکیمی وزاری خود را به حضور ملوکانه معرفی نموده پس از آن هر یک در وزارت خانه های مربوطه بکار مشغول شدند.

این دسته نیز آقای حکیمی در مقابل تصویبات لازمی بارهٔ نمایندگان استنادی کرده و تا آنجا که مقصود بود در اشتغال وزیران یا کادمان و خوش نام و کسایطه مقبولیت عامه دارنده کوشش نموده و شخصیت های برجسته و فعال را در کابینه خود شرکت دادند.

این روز هاست که بازم بنیاست تشکیل دولت جدید تذکرات چند ماه پیش و چند سال پیش تکرار می شود تذکراتی که با هزاران فساد، مولود دستگامهای بی نظمو ترتیب دولتی، و باصداغ خرابی ایجاد شده ماه اخیر توم میباشند. اصلاح کبیات و ترسیم خرابیهای بدی است که هر قدر هم نوشته شود، بازمانه دارد بطوریکه فقط تذکر و تشریح آن علم ما وقت لازم خواهد داشت. در میان این مسائل پرتیاج و این مشکلات فراوان که مملکت با آن مواجه است یک موضوع حیاتی کشور را در اینجا تذکر میبندیم و آن موضوع کشاورزی است و امیدواریم تذکرات اساسی که داده میشود مورد توجه واقع گردد. صرف نظر از بحث در کلیات کشاورزی و اهمیت حیاتی آن در ایران که خود چندین هزاره روزنامه را خواهد گرفت لازم است کلماتی را گوشزد کنیم و بگوئیم قبل از هر چیز ایران مملکتی آن مستقیماً از راه کشاورزی امراموسین میباشد ده درصد بقیه هم محتاج به کار و کوشش دستری می شود توده کشاورزی میباشد و باز باید به ترمیم این اکثریت قاطع که کشاورزان مملکت باشند در وضع بسیار

نامطلوب و در بیچارگی نون الماده ای زندگی نموده و به کیفیت میتوان گفت آنچه را برای آنان زندگی نام میگذارند جز مبارزهای با مرگ نیست. مسکن بهداشت، خوراک پوشاک و غیره در این دسته زندگی بویان صد ها سال پیش را حکایت میکند. در حالی که سازمانی بنام وزارت کشاورزی در مملکت موجود است که باید در ترمیم وضع اسفناک کشاورزی کوشیده بحال این حیثیت بیچاره ای که توده کشاورزان میگردانند نموده معضولات کشاورزی را مغلوب تر ساخته بر میزان محسوس - بیفزاید.

این دستگام وسیع که با نواحی مدرکلا و شبات آن در غایت مغفله مملکت بوسیله تابلو های رنگ رفته گرد و شناک گرفته معرفی میگردد نشانه پارزی از فلاکت و فقر صومی و اسفناک دستگام بوشالی دولت است.

این دستگام که میباید حساس ترین و موثر ترین سازمان های مملکتی بسوده و منشاء خوبی تری مردم و خانه امیدمات باشد قیامه مردم ریساری بخود داشته نه تنها فایده ای از آن عاید مردم نمیکردد بلکه مشکلاتی هم ایجاد کرده و گمانی است که هر کس بداند راه نیابد سستی و رخت در تار و پود وجودش حکمفر ما خواهد داشت.

این دستگام که از جوان ترین سازمان های مملکتی است افرادی را بخود مشغول داشته که آن ها هم از جوان ترین و حساس ترین افراد کشور میباشد عشق و علاقه این جوانان بکار و خدمت قابل تقدیر و اتقانی آنان با اطلاعات و معلومات خود

میباشد در آیین خویش تملق و چاپلوسی و منوسل شدن باین و آن را کفر میبندند غافل از اینکه بنگاه راه پیشرفت و رسیدن بآمال و آرزو های نرسدی در این کشور این شده که چه وکیل را جیبیده برده ام و کور کورانه فرمایشات و تقاضاهای غیر مشروع آنان را انجام داده بیاداش بکار بزرگتری گمارده شونده. این جوانان تحصیل کرده را که در وزارت کشاورزی ریخته اند اکثر آنها بکارهای متفرقه که خاشایه تمام و تصبلات آنان نیست و نطق فرط استیصال ناچار بقبولن هستند اینان این راه و رسم پیشرفت را ننگ میدانند گذشته از چند نفر که شاید هم رنگ جماعت شده باشند و در دسته بندی های مغرب مملکت وارد شده باشند دیگران هامن خود را به این ننگ آلوده نکرده اند و از ایشو کیر داده شده اند که هم خودشان گنمان باشند و هم دستگامی که بدان متشبته فراموش کرده. این دسته جوانان که هنوز نهاد چندساله و کار شکنی هار ناملایمت توانسته است اراده و تصمیم آنان را درهم شکسته و فکر اولی خود منصرف کند هر چند وقت بیکبار مردم جمع میشوند تا نرات خود را از این انتضاح دستگام کشاورزی برای هم بپارسی گویند و موصم مبارزه میکنند ولی چون طرف طرفان زورورسندی هستند میمانند آنان غشی و بدون نتیجه میمانند.

اگر روزی بخواهند از این وجودهای گران بها، از این جوانان که ملیونها تومان برای تحصیل و تربیت آنها خرج شده و بحقیقت میتوان گفت از ذخایر ملی کشور هستند استفاده نمایند و وسائل کار در اختیار آنها گذارده هود ذی قیمت ترین خدمات را باین مملکت خواهند نمود.

امروز ما تذکر این تذکرات لازم میدانیم زیرا بیکدامنی و خدمتگزاران و زمین برستی شخص نعت وزیر اقتصاد داریم و بر راس وزارت کشاورزی هم شخص مطلع و دانشمند قرار گرفته خود در نتیجه سالیان شماری خدمت در سازمان های کشاورزی ادوار مضغانه کاملاً واقف و وارد است و کوچکترین نکته ای بر او پوشیده نیست.

بنا بر این تذکرات اولیه ما برای استحضار شخص نعت وزیر بچگونگی عناصر متفکک استاسی وزارت کشاورزی بود اما آنچه را باید با قیام عدل و زری کشاورزی تذکر دهیم این است:

شما و بقیه در چندی قبل برای اولین بار بو وزارت کشاورزی انتعاب شدید از زور دست و دشمنی این انتعاب را (حسن انتخاب) نامیدید نه تنها نبود تریک میبکنند بلکه انتعاب شما را یکی از اقدامات مفید و بسیار بجا دانسته و بپنن داشتن بدست شما اصلاحات اساسی در اوضاع عمومی کشاورزی بعمل خواهد آمد شاید از نوعی در مجلس وجهه بسیار خوبی داشته شورا بنگانه شخص شایسته ای برای ابتکار میدارنند و بیبینهاتان شما بنظر احترام میگیرند. شما در آن وقت بهترین موقعیت را داشتید شما میتوانستید طوری کار کنید که بیج و خمهایی سیاست بقیه در منجمه ۸

خبر های کشور
عرفی هیئت دولت

روز شنبه گذشته آقای نخست وزیر هیئت وزیران را بشرح ذیل بحضور اطیحت حضرت عالی مرعی نمودند:

آقای آمان الله اردلان وزیر برادگستری
 « دکتر سید مالک « بهداری
 « خلیل لاهیجی « کشور
 « اللهیار صالح « مشاور
 « حسنعلی کمال هدایت وزیر مشاور
 « عبدالحمید وزیر « دارایی
 « غلامحسین هفتم « فرهنگ
 « ابوالقاسم نجم « امور خارجه
 « سر لشکر ریاضی « جنگ
 « ک. نیروز « راه
 « احمد حسین نعل « کشاورزی
 « محمود ریغان « پست و تلگراف
 وزیر بازرگانی و پیشه و هنر هم بهداری تعیین و معرفی خواهد شد.

اخبار کردستان

غیر تسخیر دزلی در هفته گذشته در جریان تیران منکس شد. اگرچه هنوز از جزئیات جریان امر استحضار حاصل نشده ولی اطلاعیه که تا بحال خبر رسیده این است که در تاریخ ۲۴/۷/۳۲ تا بحال اجرائی آستان سر لشکر جهانبانی و سر تپیه هایبونی و اشراف کردستان که آقای آستانه مرودخ بوده اند موفق به مذاکره ای با روسای عشایر شده و عموماً برای اطاعت دولت حاضر بوده اند. جن و سروری مهرد فرقی دزلی برقرار گردیده ولی بعضی ناملومی در موفقیه مذاکرات به توجیه مغلوب میرسد صدمای تیر اندازی بود که از طرف عده ای از قزاق دوتایی که از مزویان می آمدند بلند و این عمل موجب سوء ظن روسای عشایر واقع گردیده و ناچار دزلی و تارک نواح

سپس قوای دولتی وارد گردیده.

ابن حبریان که هنوز تسلیه نشده اطلاعات سر بسته ایست که تاکنون دریافت داشته ایم امیو واردت هفت آتیه توایم خواننده گان محترم ما بهر مطلع گردانیم

آقای سرهنگ کسری از فرماندهی تپ سقر به سنجح احضار شده اند.
 آقای سرهنگ ۲ پهلوان رئیس ستاد نیرو نیز در سنجح و از شغل سابق برکنار شده است.

بناسبت میلاد اطیحت حضرت عالی جنشی در فرمانداری برقرار و فریدمان ورزش صاحبین روز رفتند.

آقای حسین سجادی ریاست اداره اقتصاد سقر منصوب شدند که کسانیکه به سوابق آقای حسین سجادی آشنائی دارند ایشان را کارنامه صالح و جدی میداند. امیو او را در سقر نیز فعالیت ایشان این اظهارات را تایید نمایند.

عکسیه ملو گسائه

در نتیجه سقریابی آقای دکتر مامون نایبند کرمانشاهان عرض توضیحات لازم در اطراف اوضاع سقاری استان پنجم به حضور ملوکا و استعدای بقل توجه به استان اطیحت حضرت عالی بی بی باغ باصدهزار دینار و نظمو تکبیلو رونق آموای بیامستان خوشبید کرمانشاهان موسسات بهداری آن منطقه اعطا فرمودند که تحت نظر دکتر مامون صرف لازم برسد شنا از طرف اطیحت وزارت بهداری دستور داده شده است که برای اصلاح امور بهداشتی آن منطقه اقدامات کافی را هر چه زود تر عمل آورند.

اعانه بستمردید گان بانه

شهرنکار نامه کوهستان در سقر صورت در آسمه و هزینه وجوه اعانه شده به ستاد کابان باهراشیر ذیل گزارش میدهد:

- الف در آمد
- ۱- حواله شیخو رشید سرخ مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال
 - ۲- عطیه ملوکا به ۱۰۰۰۰ >
 - ۳- کسبه و تاجار سقر ۸۵۳۵ >
 - ۴- حواله وزیر مشاور ۱۵۰۰۰ >
 - ۵- اداره کل سقر ۵۰۰۰ >
 - ۶- فروشندگان تونون ۵۹۰۰ >
- جمع ۱۲۲۵۵۵ ریال

ب هز نه

- ۱- وسبه جعفرزاده کارنامه دارایی حواله فرماندهی لشکر بشاره ۱۸۶۱
 - ۲- ۲۴/۷/۳۲
 - ۳- ۵۰۰۰۰ تن کبش برای اعمالی بانه
 - ۴- ۸۰۰۰۰ صاحب بزین ۱۸۰۰ لیتروغن برای ماشین تپ ۶۱۶۴
 - ۵- ۲۴ کیلو میخ ۱۲۲۰
 - ۶- حواله فرمانده لشکر ۲۰۰۰۰
 - ۷- حواله ستاد تپیه بیضیانی تاجار ۲۹۰۰
 - ۸- برای مستهنا و غیره ۶۶۷ >
- جمع ۳۳۰۰۰ ریال

بینه وجوه اعانه

این بود باقیبانه معلوم نیست نزد کیست چرا تاکنون نگهداری شده و چرا تا بحال بصرف های لازم رسیده است!

تذکر

اگر میوهایه فرزندان شما آتیه روشنی داشته بپوشاند آبرومندانه زندگی میکنند هزارا به تحصیل تشویق کنید .
 آماردوستان ما - دبیرستانها و دانشکده هانسانه حیات ما کسین شهر ها و مناطق است.
 هر قدر تعداد صاحبین زیادتر باشد آتیه درخشان تری را میتوان پیش بینی نمود.
 با فرستادن بچه های خود به مدارس و تشویق آنان بصحیل بهترین میثاد و مری آنها به جای خواهید گذاشت

وقایع آزارات

۲۹-
 محده امین اظهار میکند محل چادرهای مارانظامیان ترک اشغال کرده اند برای زن و بچو اشخاص فریغمور است خودم با کلیه مردان مسلح تحت فرمان هشتم بر جادستور بفرمایم برویم.
 باورتنحاشان میگوید باید شنا بازن و بچو احتشام حرکت کنید مجدداً جواب میدهم زن و بچو را اینتویان بیجه عهف گلوله دشمن فرار داده نشدند کتیب در این گنگکی باورتنحاشان عهف تیر خوردن کشیده محمد آقازا در میان چادر های خود کشمخو دینباشت مراد تپت میاید.
 آدمهای مجدداً تا کسهمه مسلح بودند اما با احترام دولت بطرف باورتنحاش اوتی ختیک خالی نیکبندت قنطسواران چریک را که در محیت ابورودماند کر گفته خام خن منیاند.
 خانه آنها از زنده مطلق میشود در نزدیک بنازه برادرش کاغذی بر نامه می ماکو میبوسد و در آن اظهار میدارد، بر ادمن اگر گفته شد قربانی اطیحت حضرت عالی بوده چون ایل بقتلان خود بر میگردد متقاضی کنه مخالفت فرماید.
 شب ایل بار میبکند و راهمفلان را پیش میگیرد (ایلات دهر بیت و عودت بقتلان اولوا شهباشر کت میبکند روزها را استراحت مینماید و احتشام خود را بپرا می رستند)
 نزدیک صیف شب داخل تنگه کاجوت میشوند. بست نظامی تقویت شده کاجوت که در وسط تنگه روی قلعه تپه تاسیس شده بود لبر

مورد شلیک گلوله های خود فرار کردند. تمکن داران ایل هم به بست نظامی حمله برده نظامیان را با اسلحه سلاح مینمانند و بدین ترتیب و امار با باز و از چلو ما کو کشته در نزدیکی قره طاهلی چادر میزند.
 باورتنحاش خان با این ترتیب قتلش قوم خود را اجرا و نامشوم کردن ذهن فرماندهی لشکر و ستاد آرتش خدمت قابل ملاحظه ای به ترک هانود .
 روز دیگر این خبر تاسف آورده آزارات رسید بر ای خانه های با این واقعه اسفناک فرمانده گردان تپیه فرزند زاری بزرگ آزارات میان ایل بلای آمده اسیرو نظامیان گرفتار شده را آزاد و اسلحه های دولتی را با آنها مسترد میدارد و برای حل قضیه و نشانه دادن باین پیش آمد به فرمانده لشکر و کتیس لشکر خود نشان مقدمه ملا میبدهد که اوج باین موضوع هر چه عمل اراده دولت است و هر قسم میبوه اند در این باب تصحیح بکیرت نه اطلاع دهند تا دستور ات دولت از طرف فرماندهی کرد بوجه امر آگاه گردانده شود
 برسر این واقعه مری ابراهیم نام رئیس ایل ساکنان ایران که با ایل خود در جوار بست نظامی ایران در آبی بی چادر زده بود برای خود شیرینی دابرتی بر فرماده لشکر آذربایجان نوشته اظهار کرد بدهد.
 « مسوران آزاراتی ابراهیم حمله پیش بست سرحدی ایران میباشد که هر چند فرماندهی لشکر آذربایجان در نتیجه تجربه چند ساله از افکار و مفاصلد و راهبازی ابراهیم نامی داشت و باین پایه سرالی ها بنیوانست اهمیت بدهد ولی احضال میرتوموسی ابراهیم از طرف سلطان محمدخان رئیس بست سرحدی آبی بی وادار نوشتن این را بپورت گردیده سلطان نامبرده هم بر ای تکبیل نبودن قتلش باورتنحاش خان دستور ای مامون خود همان باورگرت باعد.

گرمانشاه متروک

-۷-

پس از تیرگی روشنی گیرد آب
 بر آید پس از تیره شب آفتاب
 در تنه فصلیایه مسطور است :
 در عمل باید شبانی باشد نگه داشته نه
 در کرمی باشد در تنه و مرعی باشد در زخم
 در لیشان نه ناوک برود در ویشان
 ولی بیانه و تند است که اغفال و اسهل طبیعت
 حا که ما بی پیوره متابیتی با این سخن
 ندارد و گذشته از عدم حایت شفا بقدری
 در اجفاد و زور گویی نسبت بظالمین
 و طرفداری از ظلمه زیاده روی میانینه
 که هر روز از افضی تقاط ایران بخصوص
 در محله های کجا و جوار مرز نه (مانه قصر
 شیرین - کرند - سریل زهاب و شیر)
 صدای خنجر ناله هوران بیگانه تیردست
 می شناید و شنیده بلت میشود و تار و پود
 وجود هر شنونده را مرعش می سازد و
 بی اختیار اشک صاف از چشمانش فرو
 میریزد و کسی یکنه بداد این بیچارگان
 شیوا برسد که در اثر تجاوزات دشمنان
 داخلی قتل و جلا و طردن استاید . این
 مرغان مفروک و مظلوم فرستگیا از مرکز
 دور و نزدیک در دست و پا میگردانند
 و بازه از این حکومت مرکزی مایوس
 هستند که با حدای بیگ می گویند: اسانیت
 نسبت در عدالت حرف است - آزادی در
 این است که هر جای کیفیت بر جان و مال
 ناموس بکشت شیفت و نا توان مسلط
 شده و افراد ناتوان را بیکلی از هستی ساقط
 کرده و خاک هم بکشان نماید .
 مسافانه نباید متفکر شد این بد -
 بختیها و بیچارگیهای مملتی این بی توانان
 یعنی شاهنشاهی است و در اثر تحولات دولت
 مرکزی یعنی شیفت شده است که هیچکار
 صاحبان نسبتا بدین نوع ملت و سلطنت داری
 دفع و اگر بدین نوع کار سلطنت داری
 نباشی رود باید بگویند : این قاطع تابه
 مشرک است که ، و بنفیه نگارنده تمامه
 حکومتها که مطهر قدرت و استاید
 اراده ملت و همیشه دار اداره امنیت
 و سلطنت میباشد و در توان آزادی و برادری
 و برابری را رواج دهد بلکه خود است
 اجرایی مقامه سوه و متونایت شود دیگران
 باشد حال او در این ملت بیچاره همین
 است که بیستیم و پنجمی نتواهد گذشت
 که این نهال نساد تنوار شده و در اوضاع
 تمام غصه ایران خامه نظام مرزی که امروز
 مورد بیست ماست رینه دواینه و زبان
 ها و خسارتان فون الماده سیاسی و اجتماعی
 پارو خواهد آورد که ترمیم آنها باین رودی
 ها امکان پذیر نیست و طولی مدتی
 هر چه شده شاید گرفتن به بیل
 چور بردن نشاید گذشتن به بیل

کوهستان

التهیرن و سوری و لبنان و فلسطین و مصر و قسمت غربی لیبی و
 تونس و یونان هم ضمیمه ایران بوده)

حدود مرزهای ایران در زمان اشکانیان

از شمال تا رود سیحون و دریای خزر (دریای گرگان) و
 کوههای قفقاز - از جنوب تا دریای عمان و تنگه فارس - از شرق
 تا هندوکش و پنجاب و از غرب تا رود فرات .

حدود مرزهای ایران در زمان اوشیروان عادل

از شمال بیهمال قفقاز و دریای گرگان (کسپین) و
 مجرای قدیم آمویه و چین - از جنوب پدربای عمان و خلیج فارس
 از شرق تادهای (هندوکش - هندوکشا و رود سند) امتداد
 داشته است و از غرب مرز های ایران تا رود فرات محدود بوده
 است .

مرزهای فعلی ایران

در اینجا فقط حدود مرزهای غربی کرمانشاه که به بین الپهرین
 محدود است از جنوب به شمال از نظر خواننده گان خواهد
 گذشت :

رود قفقاز - سرچشمه این رود که در محل (کنگیز) نامیده

میشود از کوههای بلوچ و بورولیان از خاک ایران است در مغرب
 کره که شوان از مرز گذشت و وارد خاک عراق میشود و مزراع و
 نخلات مندرج و غلاته را مشروب ساخته قریب پده کیلومتر در جنوب
 مندرج برود خانه بستان که آن نیز از خاک ایران جاری است ملحق
 میشود و قدری پایین تر آب نلت پیوسته فاضل آب آن به روسیغیه
 میریزد .

رو در قفقاز بنسبست عبور از بهولری قریب سوما را از توابع ایران
 رود سومار هم خوانده میشود . بعد از رود قفقاز يك سلسله کوه
 بنام کهنه ربه و در بلت تا حوالی آب نلت روی خط مرزی قرار
 گرفته است .

چم قند - یا آب نلت از کوههای زاو رود در خاک ایران

جاری شده یا بستان از طرف شمال ضمیمه کرده معنای از
 وسط ایالت یا خط مرزی است و بعد از مرز عبور کرده در جنوب
 مندرج داخل رود قفقاز میشود .

رود الوئذ - سرچشمه رود الوئذ یا حلوان (۱) سرآب

اسکندر بالای قریب زرباب است (در اصطلاح گروس) یا شاروایز
 آرمیکونه که از دهانه باین تنگه زیر آب عبور کرده سپس وارد
 قریب ایران میشود و آب های زرده و یاران از طرف راست و آب
 های شیو - قنده شامه - خیلان و کنده بر هر کدام کرمان
 مندرج از طرف غرب با نخلق می شود و پس از مشروب شدن جلگه سرین
 و زهاب و صفر شیرین سرحد رسیده مقداری از وسط ایالت رود الوئذ
 مرز ایران میشود سپس از مرز داخل خاک عراق جاری شده
 در محل موعود بدین شکل برود دیالی میریزد . میان رود الوئذ
 قوتو سلسله کوه آقداغ (سفید کوه) واقع شده که خط مرزی از
 قله آن عبور میکند .

رود قوتق - از کوههای دلاو سرچشمه گرفته وسط

الباب موسوم به تنک حام تا سبیل دیگری که از شمال سلسله کوه
 آقداغ داخل آن میشود مرز ایران و عراق است و از آنجا نسبت
 شمال غربی سر کرده عبور دیالی میزند و در دمیان رود قوتو
 رود هسان تشریب کوههای اشترانک و بزبان اشترانک شده که از
 کوههای مهم سرحدی و قسم الباب جلگه ذهاب و باغ سرخ و از
 تشکیل میدهد .

رود کابحدود المالد و مسک و مالک (اصطلاح - رود

چراغی) که در سنه ۷۲ هجری (تقریباً سی سال قبل از شاهنامه) تألیف
 شد است حلوان یا زرباب ساله و ایلاتو تر تعریف می نماید : « حلوان
 قریب است سیرابرت (ذال) بدیالی استعمال شده (اندرمان)
 همی گذرد و از ایچیر خیزد و کسی خشک کندندو بهینه می آید و از
 بخت مگذام میشود که در حدود هزار سال قبل هم مانند امروزه ایچیر
 زرباب معروف و با همی تقاطع هم محل شده است .

اکنون راه اصلاح این است که دولت
 در تعیین مأمورین خدمتگذار و صادق در
 تمام ادارات هم کرمی هست گماشته و دامنه
 این اقدامات را بشهرستانها خامه دومیرو
 ها توسعه داده و وسایلی فراهم کنند که
 رابطه مردم با یکدیگر از روی عدالت
 اجتماعی و بدینجای قوانین شرع مطهر
 یوی برقرار باشد و مصالح فردی را در
 ضمن مصالح اجتماعی تأمین نماید . زیرا
 در جامعه که در آن قوانین مستحسن و
 عادلانه رعایت نشود و همیشه مصالح
 فردی بر مصالح اجتماعی برسد حال او همین
 است و ادامه این اوضاع موجب باسی
 خدمتگذاران و تشویق خائنین خواهد بود
 و در نتیجه چنانکاران بر عرض ناموس و
 مالروان مردم قبیرو بیچاره و سیه روز و
 سرگردان این سامان چهاراسه میثازند .
 گرچه این اوضاع اصلاح انگیز و قوت با برچیدن
 دوامی ندارد چنانکه حضرت علی (ع)
 میفرماید: **الملك یقی مع التکفر و**
لا یقی مع الظلم.

پس از ذکر این مقدمه ایامور که
 خواهد شد مثال عنایات خود را شامل اهالی
 بیچاره و آواره این مرزو بوم باستانی
 فرموده و گمراهان را برآورد و تیریه بستان
 را پناه دهد و صوم ملت ایران را از آتیم
 مصالح و مصالح معظوظ و مصون بداند
 و مرز تنبهای ایران خامه اهالی کرمان
 شاه را موفق فرماید که بی پیوجه از جاده
 وطن پرستی منحرف نشوند .
 باری ز موضوع بسیار دور اندیش
 اما بمعنای : اطمینان فلام خود را موافق
 پذیر این خائنین و بلنگه وظایف واجبه
 دانسته و اینک طبق وعده که داد ایم شرح
 مختصری از حدود جهات ارببه مرزهای
 سابق را بیکتور باستانی قریب از ظهور اسلام
 پرداخته و سپس ذایره بحث خود را بر سر
 های نلی مغرب کرمانشاه که از کتاب
 مرزهای ایران استخراج شده میکشایم .
 مدتی این مثنوی تأخیر شد
 مدتی باست تا خون شیر شد

حدود مرزهای ایران در زمان

هخامنشیان

از شمال بقتت هسای سکاها و
 مساوات ها (سیحون و دریای خزر و کوه
 های قفقاز جنوب روسیه) از جنوب پدربای
 عمان و دریای ای هیبا پارسی ای بی
 (خلیج فارس) و عربستان و حبشه - از شرق
 به هندوستان و حدود با میر (پنجاب جزو
 ایران بوده) و از غرب دریای بزرگ
 یا مغرب (مدیترانه) و ادربایک (بین -

از سندج

بقلم آقای عباس آزاد یورناینده نام کوهستان

چگونه در کردستان از مردم سلب آزادی میشود؟

چگونه آزادی مطبوعات وسیل احساسات را سد میکنند؟

جناب آقای دکتر اردلان

سرگذشت ذیل هرچند ملمس است لیکن بحدی اطلاق مردم از جرایم قانون در توأم مسئله کشور آترا امر بدرد فرماید. شاید مقاماتی را بفکر اصلاح وادارد.

تذکرات بی‌فرمانه و مبین برستانه روزنامه کوهستان در دل مخالفین آن کینه شیبی تولید کرده بود. بنوعی که دهر معطل مینماید و چه اطراف این روزنامه گفتگو مینماید. معلوم نیست علت این اوصاف کتیباجیست ؟ چرا نمی‌تواند بیننده که در مقابل جسد و فریاد مصفا روزنامه - میله و پنباره هرگز که هرروز در اطراف اصلاحات نظایب ترازه ایراد می‌دارند و وضع زندگی و ادارات می‌گزیرد و مورد حمله و اتقاد قرار میدهند کسی در مقام قلم‌روزی و نهاد با آن نیست

و علا برمیله آنها به تبلیغات مضری اقدام نمی‌کنند هزاران تاله و فریاد از حلقوم جرایم مرکز راجع به کندی و بی‌جهت‌ان اوضاع بگوش مردم میرسد و از طرز زندگی و کار ادارات در تهرانی گله میکنند. حال آنکه بدون کامل و دقت ملتک میشود که زندگی مردمی را با کردستان طرف نسبت نیست زیرا استفاده از حقوق بشری - مزایای همو کراسی و بهره‌مندی از قانون و مقررات برای مردمان آجا فراهم و عملی است و با تمام این تأسیسات مردم شکایت می‌کنند و اما در کردستان هیچ‌یک اینک بر خلاف عادت بعضی از عناصر خودخواه که نمی‌توانند گفتار کنند فریق باید دست و پایش بزند و مختصر بر این گزینش شریک میشود از حیات ناچار بی‌تلاش میشود دیداری مدبر کوهستان و طرفدار بود. خواهان بود. مردم ظلم او را طوری جلوه داده‌اند که در مجرای سیستم ظلم و پشم هیبتگی راضی نگذارند. از طرف دیگر ما کردستانیا هم میگردیم از هر چیزی که را از جرایم مرکز خواهیم داشت زیرا بقدری از دفاع ما خودداری می‌کنند که اغلب شکایات خه و تلگرافات ما را حتی دردمند آخروند دروغ نی‌کنند مثل اینکه از دمنا تلگراف و مکتوب شکایت چندین روزنامه برای نویسه دورکی آجا با تامل ماردج نی‌کرد و حال آنکه تهرانیها همیشه نهنن نطنان قسط مطبوعات خواهد بود.

روزنامه کوهستان در هر کوتاه خود بسیار مورد استقبال و احضاد قاطبه اهالی واقع گردیده. مأمورین نامالی که انتشار آراد را در اول مقام خود برقیاضی دانسته و معشن بودند که مبارزه با او

مشکل است دست با اقدامات ضد اشتها آن زده و هر عمو را برخواستگان بقدری تنگ کردند که مثلا در سردشت مطالعه آن‌ها تدفین شد دوسهز و یانه بزختی. مکان خواننده‌گان آترا دقیقا مورد توجه قرار دادند - در داخله اشکر کردستان طرفداری از این روزنامه جرم بزرگی بود اگر کسی آترا مطالعه میکرد دست مورد ملامت قرار میگرفت حتی انسری را سراغ دوم که از ترس بنام دیگری مشترک گردیده و وجه اشتراک را خود پرداخت انسری را بنام معیاره نگارگر تبریک دادند کوهستان تحت تنقیب داده‌گان قرار اشتاد سرباز وظیفه‌ای که کوهستان را در کربد سواد قرائت کرد بوسیله سرهنگ دومی روزنامه زدست او گرفته و پاره گردید و بچرم هم ملاحظت از ستاد بیف منتقل گردید.

دو اوابل مرداد سرهنگ آیرم بازرس لشکر مدتی دریاوه کوهستان با اینجناب ملا گردی سرام آوردی کرد. سبازیک سلسله مذاکرات عجیب گفت‌جراید خوب کارنی‌کنند و هر یک نظر بخصوصی دارند. در این موقع نطق مستتر ترون و سپس عبور اربیکا را بید آوردیم که گفته بود :

عموم روزنامه نویسان در نظر من محترم و معززند همه را اینک چشم نگاه میکنم همه را اعم از موافق و یا مخالف دوست میدارم.

تذکرات بشت سرهم و مسلحان روزنامه بالاخره مخالفین راست به تگابو تانداخت ناچار شدند. بهر قدرتی بود انتشار آترا جلوگیری نایند و لو اینکه با قاضی حکومت نظامی با هدی اما بابادانان کرد که کردستان بگواه آمار جنوی جنایات دادسرا و مقایسه آمار امور جزایی آن با سایر شهرستانها بی‌شکست امن‌ترین شهرها میباشد. اما نقشه اصلی میبایست عملی گردد گرچه به بد نامی هر چه تمام شود. هدف وا نباید در نظر گرفت !!

من نینخواهم از شهر و هشت‌به‌بها من خلی تبریف کنم لیکن قضایای شهر بود و امانت‌داری مردم سنج ثابت نود در همان حالی که بزور کترین مأمور نظامی قناد بود از هشتاد بود و در همان وقتی که مامورین هر یک بنوعی از شهر خاوج می‌شدند تا آنها اهالی محل درمان بودند بلکه جان و مال حیوات بر مصلی‌های به‌ترتیب وجهی در محافظت گردستانیا

قرار گرفت و الحق در این مورد کمال مردانگی و تدن خود را به‌ی ثابت کرد.

خلاصه با علم سباین و احوال مردم برای تنقید فشار بدوش ناتوان مردم کردستان و استفاده فریزه نجات آنها فرماندهی نظامی از تاریخ ۱۹ دهر ۱۹۴۴ اعلان گردید. دو کمی مشترک مابین جمله دیده میشد وظیف مقررات از ۲۰ دهر ۱۹۴۴ دوشهرستان سنج حکومت نظامی (بدون ذکر تصویب نامه هیت و ذبران) برقرار میشد.

سرهنگ آیرم فرماندار نظامی در ستاد لشکر و اطلاق بازرس با استفاده از اندیکاتور لشکر شروع بکار نود.

اولین طلیعه او با توقیف شماره ۴۴ کوهستان نمودار

پس از مدتی که اینجناب بر حسب ضرورت بقره شرقی کردستان رفت و مردم در مراتع بلافاصله از طرف فرماندهی نظامی احضار شد. هنگام ملاقات رسا ناراضی خود را از روزنامه اعلام داشته قضایای سیردن نه‌می‌نود که کوهستان بدون نظر ایدان منتشر نشود. بهر دلیل و برهانی متوسل شدیم که با ایشان حالی نامیر هرگاه روزنامه معالاف مصالح کشور چیزی بنویسد در مرکز مملکت که ملاحظت تنخیم این قضایا با دارند اقدام توقیف بعمل خواهد آمد آجا بهتر می‌توانند در این امور وسیدی‌کنند ممکن نشد - منظور و هدف معلوم و مختص است آنچه عدم انتشار نامه کوهستان.

آقای سرهنگ آیرم فرماندار نظامی از دوستان حرف‌شنو سرتیپ لشکر افشار و در قیاب او پسادگان سنج را با شغل بازرسی لشکر اداره میکند. ایشان مدتی نیز بجای سرهنگ صامی فرماندهی یادگان سنج و شورخوره و داشته و در پایان ۱۳۲۳ برای جمع آوری شنوین وظیفه بقدری مردمان غیر سرباز را بدست سربازخانه گسیل داشت که در اثر شکایات متعدد به آتی نهی‌وزید مشاور وقت ناچار بوسیده کمیسیون در فرمانداری اغلب را از خدمت مرخص کرد.

منظور از تذکر حقایق فوق این است که وزارت جنگ اصرار بر نظر و فرشی را بر فرمانداری نظامی منسوب و مشن اعراض از مرکز را که باین منل می‌گارد کسی باشد که حفظ مقررات و قوانین را مقدم بر آوردن و کار آنها باشد و نا کار و معطل فرمانداری نظامی را با کار لشکر از هم تفکیک و تشکیلات و اجرائیات آرا امر با صلاح فرماید. ضمناً باز پرس و دادستان و قضات آرا طوری انتخاب کنند که شهادت قضائی داشته و دردمند و اراده فرماندار نظامی باشند زیرا هم که قوانین را نمایند و همت بر ای موارد فوق العاده تصویب کرده و اجرای آرا فرماندار نظامی می‌-

سپارند و دیگر مجوزی بدست اشخاص نمی‌دهد که با بروری اصول اساسی و واین جزائی همان کشور بگذرانند و آنها را مجاز با مرس جنس و داخل شدن در خصوصیات زندگی اشخاص نخواهد کرد که همان صلاحیت قانونی باز پرس یا دادستان را دارا باشند و بعیل خود دوشب و در غیبت صاحب‌خانه داخل منازل شاهه افسرانیکه سمت قضائی ندارند بنخواندن اوراد خصوصی و مقضی منزل مردم پردازند.

در گهای قوانین ایران با سمانک متدین بسکومت ملاحظت خوانن اوراد صرف دور برونه جزائی و اصمال نوقه یازرس با دادستان میدهند.

د بجه در شماره به

بمقام آقای محمد مردوخ (آیت الله کردستانی)

گرد و گردنستان

—۲۲—
سنه اردلان

حکومت خان احمد خان ثانی اردلان

خان احمد خان پسر ارشد کلبلی
 غنای پس از فوّه پندر دسته (۱۰۸۲) هجری بر حسب فرمان شاه سلیمان صفوی پسر شاه عباس ثانی بر جای پندر نشسته و لیکن بجای سلطنت داری و فرمانرمانی شروع بیانشی و پاداه بیگانه نمودند و ببلو بخشش پایدار در سرحد افراسیاب تریغ واقع شده اند در قلیل مدتی تمام قوّه غزاه دفاتی پندر را پاد داده است از بسکه برود سیمو زر میداد مردم او را (خانو زبینه) گفته اند چرغیش و طرب و لوولوب نگار دیگری نیز آمده است و مناهیم و ملاهی پیشل دیگری نیاید نداشته است. در نتیجه این لاتیدی اختشای وی نظمی در مملکت در گیر و وظلمو جور و نانی نامی در همه جا عیونیت پیدا کرده است و خسروانی هوشیور هر چه از در تو بیخ و عیونیت او در آمده نتیجه نمانده بالاخره مراتب در این شاه سلیمان اطلاع داده است. شاه سلیمان دردی قومه (۱۰۹۰) حکومت کردستان را بفسرو خان نقوش بنوده و خان احمد خان ثانی بواسطه نادانی سنه حکمرانی را از دست میدهد.

(حکومت خسرو خان اردلان)
 پس از عزل خان احمد خان هوشیور خسرو خان در سنه (۱۰۹۱) بصلامت و فرمان حکمرانی کردستان نایل شده و من اقبالش از قلمه میروان بسوی سنه جزو سرزمین است و وقتلا وارد سنه دوشده فورا خان احمد خان را کتف بسته و راه امهلمان بنوده است خود با استقلال باهر حکمرانی کردستان مشغول گردیده است.

ولی بکس انتظار پسانالی پتای زشت گوئی و در دشت خوئی و ظلم و عنی داشته اند آتش جورش قشله ور و ناله مظلومین بیاه و انشیر میرسد ناچار اهالی از دست ظلم و ستمکاری بیایوسته آمده چند نفر از وجوه ملک شاهی حرکت کرده پاداه فواهی زمیندار امهلمان بنوده شاه سلیمان متعجبان و بواسطه شاهانه فوازی بنوده و آنها را نزد خسرو خان عودت میدهد که از این امتیازات و توفیقوی سوره استفاده بنوده که لایبکی او امر مولا که با آنها منامک و رفتار میکنند. هر هریک از بیانه تکلم و مشغول میسازد و بسوی سر امامه منیاید چون غرض قضایا بر میسر شده شاه سلیمان میرسد فورا تیورخان آجروا که در سامیران بنوده در سنه (۱۰۹۳) وارد کردستان شده خسرو خان را کتف بسته و راه اصفهان منیاید و خود بر منته حکمرانی اردلان می نشیند و خسرو

« اثر طبع حقیقی »

خط و خال بخدا فتنه می هند و حبشه

آفتی دین دوله رهنقی ام کوله که شه

خاللی زا بوزون و جین شورشی روم و عجمی

له سر آشوبه ی زولفت له هموی کشته که شه

چاوات ارنر کسی شه لایته بو هینده خمار

باز مت که رشوی یلدانیه بو هینده که شه

زینت کلمه لرنزینی کولنگی شده کت

گرچی اگر بجه تزینین اویش و او شه

شدری عشقی دو خالی ای تو هنردی جفا

کسی دل بو ظفری منتظری پنج و ششه

به دوسه شعره حقیقی که له میدان در چو

تنگه جولان قسه به و توسنی طبقی هاشه

عزل قون را آقای مصطفی ززادی از مهیاد ارسال داشته اند

تولایش و سواره اردلان میکرد عباس خان زیاد افلی پس از این فتح تاریش به نهایی فاسم سلطان اورامی منشاء فساد و سبب آمدن سلیمان باشا چرا برای اردلان تپت بسته شروع بکرتن و بسن منیاید . جمعی شاه بهاک شضایی فرار میکنند و جمعی با بکتر و دیوست رفت رعایای این سامان را تحت شکنجه و مذاب کبندیس از گرفتن دارایی آنها همه را با تکامل مغضبه اعدام و از کله آنها تپه بزرگی که در جنگه میروان تشکیل میدهد . فاسم سلطان او را می او هم که در این تفتین نای بود و بقتل رسیده سرا و امامه مترس روی جوی فرار داده بالای تپه کله ها ظلم میسازد (هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت) حلالهم آن تپه پالی است و به کلین کوه اشتیاد دارد همین کوهی که از کله تشکیل یافته است شاملیان از این حرکت و حبشانه عباس خان آزرده شده فورا او را احضار و لدى الوورد باصفهان در میدان شاهی بر چوبه دار می آویزد روز پجسته ۵ ذی حجه ۱۱۰۵ شاه سلیمان بر عت آفریدی پوسته روز شششنبه ۱۶ ذی الحجه همانسال شامل سلطان حسین بر تفت سلطنت جلوس منیاید و در سنه (۱۱۰۷) خان احمد خان از طرف شاه سلطان حسین صفوی از حکومت کردستان معزول و محمد خان پسر خسرو خان مقول به حکومت این سامان منصوب میگردد مدت حکومت خان احمد خان در این نوبت ثانی هفت سال و کس بوده است.

(حکومت محمد خان اردلان)

پس از عزل احمد خان ثانی در نوبت نانی محمد خان اردلان پسر خسرو خان مقول در سنه ۱۱۰۷ بر منته حکومت کردستان استقراریت شروع بنوسه و تمیر ولایت منیاید . برای احصاء نظام و استانتال و جمع آفره اسراره و بزرگان که از حرکت و حبشانه عباسیاتی خان زیاد افلی که سابق ذکر او آمده متوجه شده بهاک شضایی آواره و بر آنکه شده بودند از طرف شامل سلطان حسین صفوی سر دربار را مامور کردستان و آذربایجان و شهر روز شده شروع بر کوی اسرار و جمع آفره استقراریت منیاید و با تکدی کرده موفقیت حاصل بنوده مراجعت منیاید . اردلان که بر سرش جاگیر سلطان بود همین جهانگیر سلطان اردلان که در عدد امراز مقام حکومت کردستان بود با جمعی از اهالی همدست وهنداشتان شده در سنه ۱۱۱۳ هجری بر محمد خان حکمران مشورت و در دست او بود برای شاه سلطان حسین شکایت منیاید نتیجه این شورش و نظلم محمد خان اردلان معزول و محمد خان گرچی بکومت کردستان نازمه می گردد . مدت حکومت محمد خان ۶ سال بود.

(حکومت خان احمد خان اردلان)

هر تپه دوم

پس از عزل تپور خان آجروا لو دوباره خان احمد خان ثانی اردلان پسر کلبلی خان در سنه (۱۰۹۹) بوجوب فرمان شاه سلیمان صفوی بکومت کردستان و شهر زور مامور و مراجعت منیاید . خان احمد خان در این مراجعت بجای اینکه گفته هارا جبران و اهالی را پیر و محبت و داد و عدل دلگرم و امیدوار نماید . اقتضای ثانی غولی به در طینت که کشت . زرد تا بروز خشر از یاد بیشتر از پیش شروع به عیاشی و لوپو و طرب و تجدید مظاهر بنوده مردم را بار دیگر دلشرو و سلطنت کرد . میردادا کرتاری نظمی و انقلاب میسازد . سلیمان باشای بابان که براوضاع اردلان احمد خان و اختلال کردستان اطلاع پیدا کرد با جمیعتی از کردو عرب در سنه (۱۱۰۰) هجری حمله بکردستان آرد . میروان ستر و او زمان واتسیر و هراس سلطان ماک ستر پسر کلبلی خان و ابراهیم قلی میر اسکندریه . حاکم میروان در دستگیر میگردانند بر منته شاه خان احمد خان عسراب را به شاه سلیمان اطلاع میطیار داشته و خود را برای دفاع آماده میسازد از جانب شاه سلیمان دستخان میسپاراد . و عباس قلی خان زیاد افلی و شهر بیاسی خان قانبار . باسیاهی آراسته . امداد خان احمد خان میرسنده هوما بجایب میروان حرکت کرده در چنگلیک میروان تلاقی فریقین پمل میآید . پس از دروونج جنک سلیمان باشا شکست یافتی خودده متجاوز از هزار نفر از سیاه و اتجاع او بقتل میرسنده و کلبه خیه و خوابگاه و مهمات او نصیب

از مجله کلاویز

سرانیده: فایق زیویه: سلیمالی

«احساسات بگنفر کرد»

فیدات بم خاکگی کوردوستان • نوروئی چه نه تی عه دنان
له سرتا عوار .
گول و گولراز •
دلی شه میبار ، ه کاده رمان • فیدات بم خاکگی کوردوستان

عه وارکه و دینه نی جوات • له گه و میان و له هکویشتات
به بیگانه .
وه گوتانه .
له این گیانه ، منم لوشان • فیدات بم خاکگی کوردوستان

به سه بری تو منی مسکین • نه روح دینه دلسم بین چین
لوی دابه شه .
ه یی به لشی .
وه هکوات شه ، ه کاجه ولان • فیدات بم خاکگی کوردوستان

به لی ، گول خوی که نهوینی • بینای هه ستیم له له رژیسی
بلام وک تو .
گولیکسی نو .
به ره ننگ و بو ، نه فورمان • فیدات بم خاکگی کوردوستان

له بیرمه وک شتی مه علوم • منال بیسوم عاشقی تسو بووم
که ماموستام .
له دیز داینام .
وتی ه تی خام ، بتو سه جوان • فیدات بم خاکگی کوردوستان

سه ویش ه بویه باوه رکه • گل و به روت که مووته رکه
ه بان کرد کیش .
دلی پر ایش .
وه ک آستیکش ، به بی تاوان • فیدات بم خاکگی کوردوستان

له سه رن نه روزه تا مردن • له وه منی تو شه یال کردن
به شیری جوان .
وه پایه خشان .
دلی انسان ، بیکه مه بران • فیدات بم خاکگی کوردوستان

به لام بو خزه ت گیانه • او میدی من به بیاوانه
تهوان زورچار .
هزاران کار .
ه کان زرگار ، به بی دامن • فیدات بم خاکگی کوردوستان

سنتدج

آگهی

تعداد محصلین دبستانهای این شهر باتوجه جمعیت آن بایه
بیش از آنچه که فعلا مشغول تحصیل هستند باشد . در کلاسهای بالا
تعداد نوآموزان بسیار کم است . بایه از امروز دوسمده رفع این
نقصه بود . راه عملی آن سعی در افزایش نوآموزان کلاس اول
است .

چون باورسالی که فعلا در اختیار اداره فرهنگ میباشده پرتانه
چندین کلاس اول دبستانی دایر نماید بدستانها دستور داده شد
که تا هر چه مردم و اطباء تحصیل در کلاس اول را پذیرند و بعضی
اینکه عده آنها بقدر لازم افزایش یافت بشکلی کلاس علیحدجهت
آنان اقدام نمایند
آنگون انتظار دارم که عموم اهالی محترم مخصوصا وروشن
فکرانی که در فکر آتیه فرهنگ کشور هستند با راهنمایی و تشویق
و مساعدتهای لازم انجام این منظور کوشش نمایند .
رئیس فرهنگ در راه فرهنگ سنتدج - حبیبی

پی شینان و تی بانه

۱. نان نه و نانه هم روله خوانه
۲. هم چاره کویری بی خه نیمی خوی ناناسی
۳. دهه نه بی هاوار کمه لاقم نه بی تارا کمه نه بی زکم
پرا دکمه
۴. به قسه ی ساده برسی تیر فابی
۵. بیگانه چاکه دوژ من نه که دوژ منی له خومان
۶. له جوی شیران ریوی لی ده کن گیران
۷. نه بیلاوی نهنگ نه خانه ی به جهنگ
۸. دولت به ساسله نه
۹. کورد کوردی ناهه وتی
۱۰. مندالی به ده رمانان ؛ ناروا له سرمانان
چنه ضرب النثل نوقر آتای محمد توفیق ووردی از کردستان
هران ارسال داشته اند.

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۹ دهر ۱۳۲۴ - آتای حبیب الله فاتی بوکات از
طرف آتاجان کلیبیان باستاند بک برک گرواهی شواهی ووردنوشت
شناسنامه هاد خوستا بشماره ۲۴۱۷۲۴ پاداه پاینگه مرحوم یوسف
کلیبیان دارنده شناسنامه شماره ۳۱۹۸ صادر از کاشان در تاریخ
۲۴ دهر ۲۴ در طهران جایگانه هیشگی شه و نات یافته آتاجان
آتاجان کلیبیان به شناسنامه شماره ۳۱۹۱ از کاشان و موسی کلیبیان
بشناسنامه شماره ۳۶۷ از کاشان فرزندان ذکور و بانو ساسنی
کلیبیان بشناسنامه شماره ۳۱۹۴ از کاشان هیال دانسی متوفی و
باوان لوشان فرین و ملکی جانو ایران دختران متوفی که در زمان
حیات پدر بھانه شوهر رفته اند و دوشیزگان قمر بشناسنامه شماره
۳۱۹۰ و خانم شناسنامه شماره ۱۵۵ و عرت بشناسنامه شماره ۱۲۳۹
صادر از کاشان که هنوز شوهر اختیار نکرده اسوارت محصر
میباشند پس از شنیدن گرواهی گرواهان مراتب ۳ نوبت منوالی ماه
یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان
آگهی میشود . با گذشتن مدته سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی
و نودن مترش بر حسب تناخا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی
وصیت نامه از منوفی دارد در نظر مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت
نامه شیر از رسمی و سری ابراز خود از درجه اعتبار ساقط
خواهد بود .

رئیس شعبه دادگاه بخش طهران - مهدی شپرد
۳ - ۱

برای استحضار اهالی محترم سقز

اشیرا که نایبگی گرایه به اینجاب رجوع کردیده و
هنگامسول روزنامه ها و مجلات موقه ناموری شایسته برای توزیع
در دسترس ندارم از آتاجان مشترک محترم و سایر خربندان
تینا میباشیم در سری ایجابیه و نایبگی گرایه و مجلات مراجعه
فرمایند . بدیهی است در اسرع وقت این قیسه به نحو شایسته ای
مرتفع و تسلیاتی از لحاظ توزیع برای خوانندگان گرام فراهم
خواهد شد .

نایبده گرایه و مجلات در سقز - کلاهی

نامه‌ها و نگرافات وارده از تهران

از سقز

آقای جعفر حدادی شرح مفصلی راجع به شراب کردن خانه‌اش نوشته و پس از این که بریان او چگونگی اعمال نظرهای که در او بنا کرده و بلاخره بجای رسیدگی خود او را رو توفیق و باطنی کفالت آزاد نموده اند نوشته تقاضا نموده است که به پروده ۲۴۱۷۰ دادگاه سقز مستحق ۲۴۱۷۰ دادگاه سقز رسیدگی بفرماید که بشود

نگر اف از همدان

مقام وزارت کشور همدان و نوشتن فرماندهی زاهدان مری کل کشور تیسار سرتیپ خسرو پناهور و نوشتن دادرسی کل ارتش کیه روز نامه کیهان کیه نامه کوهستان -

چندین دادخواست متوالی از مبدعات و حرکات شرم آور ستوان یکم مجتهدی و ستوان یکم جیران اوستاخرش می فرماید که دسته قروه سننرو در کلان که برای اخذی و گرفتن پول جنایات و شرافت چندین ساله بنده زادستوش و او را هوس و اغراض نموده و در قهره پول شده که یک فقره ۳۶۲ تومان با اثباتی از بنی خود و فقره دیگر هفتصد تومان که بعد از املی گماشته ام برای شری بنده به منتهج می آورده در ده کلان زاندارها را بوز لعت و بیخ و روهم بدون مجوز قانونی مجبور داشته بودند تقدیم داشته پرونده امر که سوله سه ساله سرگرد در یورو باورس مرکزی هنکذا دادرسی کردستان تشکیل و بعضی اظهارات خفه بنده ثابت گردیده است با این حال دوامه میگذرد و بیخ و چه ترس از نتیجه متشود شده و بعکس ما باها بیخون و راهه اسبابهای غلغلی و راهزنی باورس میروند.

گویا افسرهای نابریده بعضی درک کرده بودند که کسی بداد اشخاص نیرسد که باین گستاخی و خشت ظلم و ستم خود را ببرد بیچاره روا میدارند و الا چگونه

الفبای آسمان

ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ح	
a	b	p	t	th	j	ch	x	d	dh	r	z	s	sh	ṭ	ẓ	e	gh	f	q	k	g	h	
o	z	k	l	v	m	n	x	y	z	q	r												

(۱) علامت حذف برای حفظ و نیاید این اصل مانده کین جهان incahānān 'k'لو'k' zotzoto'k' (اینکه یک جمله با الفبای آسمان نوشته میشود)

این الفبای آسمان بزودی در سراسر ایران رایج خواهد شد شام سه جمله کوچک اخلاقی با هر دو عضو نوشته فرستید تا بنامش شاد بخرد.

In alefbāye āsān bzdīdar arāḡe irān rayec kahad wod wcmā ham se comlaye kuḡe'ke aXlaqi bahardū katt' bēweta brēstīd tā būme womā darc gardade+

میوان باور نبود که یک فردی از افراد کشور از تبدیات و ظلم چند افسر که حافظ شتون مردم اندبا این بر است لهجه داد و ظلم نماید و نتیجه هایش شود. اگر چنانچه برایش بنده توجیه نشود او افسر های مذکور تعبت نماید و باغ واقع نگردد باید گفت که اشخاص مطالب برود و با تقدیم نداشتن کتابخانه این قبیل مأمورین را بوسیله مددتر بخوابد.

محل اداره: خیابان پهلوی
روبروی کوچه برضخانه و زیری نقش ۸۳۴۹
جایگاه وزارت کشاورزی

از سقز

آقای ع. و دانشساز مقاله ارسال فرموده اند که باین شهر شروع شده مسر با معجزه پهلوتی در دل خوش دار سامری حکمتیکه دست از زید بیاض دارد اگر چه در مقاله ارسال حقایق و مطالب درستی نوشته شده بود ولی در آن مغفور شده و چون آدرس آقای ع. روان شناس معلوم نبود نتوانستیم طاعت دوز تسون را برایشان بنویسیم. امیدواریم چاپ نشودن آن یوشی طار پذیرفته و اشخاص باکتو بی آلتایش خود را همچنان برای خدمت عمومی بکار برند.

تصحیح

دشواره گذشته در دست وقایع آزارات چند اشتباه وارد بود از غواتن که انجمنه تقاضا میشود شرح زیر تصحیح ترمانند

۱- در صفحه ۲ در سطر دوم قاش برون صحیح آن برون وش است.

۲- در صفحه ۷ ستون اول بنظر اوست: پس از شکست گلی زبلان عده ای از آن و بیجه های کرد وارد میان ایل جلالی از اتباع ایران شد. این ایل در این موقع دیوبان خانی خود واقع در منطقه اوه جن و در قعر سرحدی ایران و ترک بود.

۳- در آخر همین ستون بجای و مدافعه نکرد و اقدامی ننمود صحیح است.

خاله آقا از زیاست ایل جلالی خارج و پس برز کش مرآه بجای پدر زیاست ایل را همده دار شده. مشارالیه عورده اش حسن خالده پس در کیشک منظمی و برای اظهار مدافعت نزد امیر لشکر اعزام داشت منظمی و فرمانده لشکر تیزبر برده از آنجا بامبخت فراوان با به ماکو آورده و از مراسم دولت امینوار ساخت.

خاله آقا در شهر ماکو دوستان محترمی داشت همان روز از آن آن یکی مصطفی پس خاله خبر میدهد که امشب قوای نظامی و افراد چریک اطراف چادر های پدر شام را محاصره نموده خاله آقا را زنده بار میبرد بدست خواهند آورد.

مصطفی قوا از آنجا حرکت کرده بنزد پدر رسیده او را از وضعیت قوای نظامی آگاه میسازد.

خاله آقا شب با چادر های اطراف خود تغییر مکان میدهد زیرا بغیر دهنده اعتدال کاملی داشت.

پس عمویش حسوی ایوب که چادرهایش عقب تر از خاله آقا دو جوار آخرین بود باین اخبار باور نکرد پس از اجمال خود حرکت نکرد اطلاع مصطفی منت داشت. شب ننگر عده ای از قوای دولتی مرکب از نظامی و چریک حرکت نموده چون محل چادرهای خاله آقا رسید و آن را تخلیه شده دیده بودند پیش رفتن اطراف اولین چادرها را که متعلق به قسمت حسوی ایوب بود محاصره نمودند.

صبح زود حسوی ایوب در موقعی که میخواست اشمام را حرکت دهد در میان چادر ها مورد شلیک واقع گردیده هدف گلوله فرار گرفته جان سیرد.

در این شلیک که بطرف چادرها شده بود زن برادر خاله آقا نیز کشته شد.

اطرافیان حسوی ایوب بندها را برداخته. بندهای عده ای مواد کرد جمع شده داخل خنک گشته بقوای دولتی شکست وارد آوردند پس از شکست نیز اطراف حسوی ایوب گردنمبند شده و با نتیجه عده ای خصوصاً از چریکها کشته شده بجای مانده.

روسی آزارات باز و مسامت کرده چولی ایل شلکان را گرفته اطاعت این ایل را بدولت تأمین ننموده ولی باید گفت که اطمینان ایل بدولت بکلی سلب شده بود.

این وقایع که بهر چه متشلیک متوجه کرد با وجود معلوم نیست بجه شکل باولای دولت گزارش شده بود که هر ها را عموما در نظر دولت شاهنشاهی ایران باغی قلنداد شده مساعدت املیضرت قنبدرا بقوای نظامی ترکیه در کبابودی آزاراتی ما جلب و جامه عمل یوشاید.

کابینه جدید و کشاورزی

بقیه از صفحه ۶

در کار شما قلم‌ها چندان تأثیری نداشته عبارت آخری میگوئیم شما میتوانستید با آن شروع تا آخر عمر در هر کابینه وزیر کشاورزی باشید.

ولی پس از آن وزارت و چندی بعد پیش آمده‌ای آن وجه اولیه شما را از میان برد بطوریکه شما را بی‌سوی بی‌راهم خراب کرده و مدتی شادمانه در جامعه نمودند.

سیاست این پیش آمده‌اشود تا شما متوجه کار خود باشید.

شادان آن دوره اول وزارت کشاورزی و اصلاح و بدنامی را بکارهای خاص - کاریدید آنها سوء استفاده‌های کردید هر چه هم دیگران بیضا نگر می‌دادند باور نیکردید ولی آنها با نام شادوزی منبوه‌اند و نجات‌بخاش‌ها سوء استفاده می‌کردند لازم نیست در اینجا نام گفته آنها را ذکر کنیم شما خوب آنها را میشناسید آنها بودند که اسباب بدنامی کشاورزم کردند نیک اعمال آنها بود که بر دامان شما نشست.

ولی امروز وزارت امروزه شما با وزارت چندی قبل متفاوت است شادوز اثر آن تجارت‌ناخ آنها را شناخته اید و نتیجه سیاست نیکه آنها را بدایه‌تان اید ب علاوه وزارتخانه‌ای وارد شده اید که از هر حیث برای شما تاراجی دارد اگر در همان ژردیکی اطمن خود بدین وزارت و با کارگر کثیری سری برزیده تیان‌های تازه و هیکل‌های نو ظهور خواهید یافت همین بازرید اول بیضا نشان خواهد داد که این دفتر آن دفتر سابق نیست بقیه ادارات هم کم و بیش منبوه‌اند تا بر این‌ها با این هیکل‌ها و دایه‌های ناشناسی که قضا ظاهراً در آن باطامن متناسب نیست و هر کدام از آن سرشته‌ای آب می‌خورند سن تروایت باطامین کار کنید.

اقدام اولیه شما مقاومت در مقابل نقاش‌های عناصر کثیف

بدنام سابق است بیچ نیست و بیچ بهانه نباید خد یکنفر از آنان را بیست حساب نگارید اگر کشائیت بر سر نوبت ندهد قیل و شوا وزارتخانه را دچار خواهند نمود.

اقدام ثانوی شما همساردن اشخاص کارداران بکارهای حساس است.

نبراسید از اینکه تان آقا که فلا تان بست را داداگر بر کنار شود فلا تان و کیل خواهند رنجید شما او را بردارید یک نفر شایسته و درست از همین تحصیل کرده‌ها بجایش بگذارید همان‌سن انتخاب‌گرد کرده‌دهان آن و کیل نام‌الح است.

اگر این دو اقدام را در شروع کار و نظر بگیری می‌توانید اطمینان داشته باشید نیب تحصیل کرده‌وزارت کشاورزی پشتیبان شما بوده همان نیروی جوانی - سن کشاورزی - علاقه و صمیمیت بی‌آلایش و قابل اعتماد آنان موثر ترین قسمت‌های این پیشرفت‌کار و اصلاحات شما خواهد بود.

در اینجا لازم است جوانان تحصیل کرده و لایق وزارت کشاورزی را نیز مطالب قرار داده بگوئیم: اوضاع اسفناک کشاورزی و وضع رفعت‌بسا کشاورزان کشور بر هیچک از شما پوشیده نیست و می‌باید که لزوم اصلاحات فوری از آرزوهای شماست این اوضاع اسفناک نیز باید بدست شما که سالیان دراز در راه تحصیل زحمت کشیده و اطلاعات مفید کسب نموده اید خانه پذیرفت اصلاح گردد.

شما باید با یک اتفاق و صمیمیت خلل‌ناپذیر در زام‌الح اوضاع کشاورزی ملکوت کشید و راه‌گروه که ح و بشخصی را که بر می‌گذاردید. در این روزها که بدین شرایط گریبان‌مردم را گرفته‌اند کشاورزان و مبارزه با مشکلات از ضروریات است.

آن کشاورز و بیچاره که پس از زحمت رنج فراوان در همین قرون‌توانی مالی مدت ۲ یا ۳ مامال کار می‌کند و در آخر هم قوت‌ناپوستی بی ندارد باید بوسیله کار ارضانی کرده‌اید کیست که بایده‌تولان اساسی در کشاورزی مملکت ایجاد کند؛ کیست از شما دلسوزتر که این برادران ایرانی را از این قنری مملکت برهاند؛ آیا بایه منتظرشید از خارج کسانی بیایند و برای مالدسوزی کنند؛ یا بایه منتظر قضاوندر شده

شما که میدانید و بطن بیضا چه شما که میدانید فقط در سایه کار و جدیت ممکن است موفقیتی بی‌شمار در این شرایط اصلاح کردید بیضا از این دست بر روی دست نگذارید. دلسوزی بخود راه ندهید و در مقابل هر تاملایی بر خون سردی و استقامت بیافزایید و با همکاری صمیمانه خود از این مشکل‌گرهای کشائیت.

اقدامات اداره کل غله و نان

اتهام متوجه سوء استفاده‌های مامورین

آقای مدار محترم روزنامه هفتگی کوهستان در شماره ۳۱ مورخ ۳۰ مهرماه ۲۴ آن جریده راجع به - علیات مامورین غله و نان کردستان شرحی نگاشته شده است که جا داشت مامورین آن روزنامه بایلا به ادارات مربوطه مراجعه و با اطلاع از جریان امر چنانکه بندگر و انتقاد ضرورتی حاصل میشد خاطر نشان می‌فرمودند.

ایک روز روشن دشمن موضوع مراب زبیرا اعلام میدارد خواهشمند است دستور فرمایید بدرج آن در روزنامه کوهستان مبادرت محابته.

بر اثر وصول گزارش مربوط به تخلفات بعضی از مامورین اقتصادی کردستان دو نفر بازرس بلادرت غله بصل اعزام گردید عمل بازرسی بنحو مظلوسانجام شده از کارمندان متنفذ و متصدیان مسئول که اتهام متوجه آنها با مدارسی استناد لازم معروض شده پرونده آنان تکمیل و برای تعقیب قانونی بیدوان کبیر ارجاع گردیده است نسبت چند نفر دیگر که سن شهرت در محل نشسته و علیات آنان مورد سوء نوا بوده ولی مدارسی از تخلفات آنها بدست نیامده دستور داده شده از نظر تالیلسازمان بدقت اشخاص مربوطه غایب هنده بیاوریم و رئیس اقتصادی سز نیز مطابق نظر بازرس شاه اعرامی در اتهامات متوجه شرکت داشت اول طبق حکم سازمان اقتصادی دولت رئیس مربوط تحت تعقیب کبیری قرار گرفته است.

رئیس کل غله و نان - صفاری

کوهستان - منظور ما از انتداهاتی که میشود بطور کلی اصلاح است و هرگز کوچکترین نظر خصومی بکار برده نمیشود موضوعی هم که راجع بسلیات مامورین غله و نان کردستان درخواه ۳۱ نوشته شده بود از همین لحاظ بود زیرا مردم بازرسی که بهمکاری و رامنایی بازرسان اعرامی نشان داده بودند انتظار داشتند برودی از شردهای نامالغ خلاص شوند و چون حصول نتیجه قیاری بطول انجامیده بود در محل نتیجه معکوس عاید شده بود بیضا با راه ای آن‌ها جاری تر شده بیشتر بریش مردم می‌خندند و از اینرو لازم بود مردم اعتراض حاصل نمایند که علیات بی‌بویه مامورین در مرکز منکس خواهد شد و در تعقیب متخلفین کوشش - بل خواهد آمد البته انتظار ما هم این بود که اداره غله و نان که تحت نظر اختصاصی شایسته و کارگمان مانند آقایان صفاری و مشایر و بازرسی آن اداره که تحت نظر آقای شادوز است اداره میشود با تویه راه حال مردم وهم برای نظم و ترتیب اداراتی که تحت سر برشی آقایان اداره میشود وظایف قانونی خود را انجام دهند - بیچاره اعرامی در اینک کدراش بی غل و غش بازرسان اعرامی اصرامی مالی و راسخ‌مورد توجه واقع شده پرونده‌های متشکله مراحل اولی خود را پیونده و دستورات جامع و بسیار مناسب و منطقی در مورد کدراش نمودن دست نایکام جادگر بدیادست.

اگر سایر ادارات دولتی هم برین نحو بدون هیچگونه ملاحظه با اعمال نظر خصومسی وظایف خود را انجام دهند تماماً طولی نخواهد کشید که این وضع خراب مملکت ما بهبود خواهد رفت. با ابراز خوشرویی از حسن یتنی که اداره کل غله و نان در این مورد بخرج داده انتظار داریم از توشیحی که نسبت بازرسان اعرامی نیز می‌فرمود داشته اند مارا مستعجب فرمایند تا تویه خود آن‌را هم منکس نموده تا مردم بداندند در مقابل حسن خدمت‌توشیحی در بیان صحت و آکسر بازرسی بنطقه ای اعزام شده و نواست از این طرف مرتظر بکنه این گذشت مادی او و این هم اعتراف از طرف روسا و ادارات مربوطه جبران خواهد گردید - باقی آن‌ها چنانکه ما منظوری از تذکر جیر اصلاح نداریم از چاپ بیضا مطابقی که راجع به سوء استفاده‌های مامورین غله و نان در کردستان تهیه شده بود در روزنامه کوهستان زیرا اغلب نکات مورد بحث در پرونده‌های متشکله منکس گردیده است.